

Degrees of Sin and Their Atonement Based on the Legal Nasks of Huspāram and Sagādom of *Dēnkard Book 8*

Rahim Kalhor*

Mahmood Tavoosi**

Abstract

In non-religious legal systems, crime and sin are two separate categories, and there is no direct relation between them. Crime is seen in relation to other people in society. But in legal systems based on religion, it is difficult to separate the concept of crime and sin, because the origin of them is the same and laws of God forbid them. The nature of these laws in such systems is the same, and there is no distinction between crime and sin except in the enforcement. However, in Mazdisna's law, it seems more difficult to understand this distinction than in other religious systems, because committing any of the prohibitions entails punishment. A big part of the eighth book of *Dēnkard* is allocated to sins and punishments in Zoroastrianism. In these sections, we come across sins that are not mentioned in other Zoroastrian texts. This article attempts to show what other sins are mentioned in Huspāram and Sagādom Nasks of the eighth *Dēnkard* in addition to the sins mentioned in other legal texts, as well as the difference between the atonement of sins in these Nasks and other Pahlavi texts; this includes the sins the atonement of which have been referred to as well as the sins that have only been named.

Keywords: *Dēnkard* Book 8, Degrees of sin, Legal nasks, Huspāram, Sagādom.

*PhD Student of Ancient Culture and Languages, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran, kalhori_r@yahoo.com

** Professor of Ancient Culture and Languages, Islamic Azad University, Roudehen Branch, Tehran, Iran, (Corresponding Author), tavoosi@riau.ac.ir

Date received: 13/06/2021, Date of acceptance: 11/09/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

گناهان و تاوان آن‌ها براساس نسک‌های حقوقی هوسپارم و سگادم کتاب هشتم دینکرد

رحیم کلهر*

محمود طاووسی**

چکیده

در نظام‌های حقوقی که برپایه‌ی دین استوارند، تفکیک مفهوم جرم (تجاوز به حقوق دیگران و جامعه) و گناه (تعدی نسبت به شریعت خدا) دشوار است؛ چرا که قانونگذار الهی، هر دو را ممنوع می‌کند. در حقوق مزدیسنا به‌نظر می‌رسد درک و تشخیص این تمایز دشوارتر از سایر نظام‌های دینی باشد؛ چرا که ارتکاب هر یک از محرمات مجازاتی را در پی دارد؛ کتاب هشتم دینکرد مانند مادیان هزار دادستان یک کتاب صرفاً حقوقی نیست، در این کتاب علاوه بر ذکر عناوینی از گناه و تاوان آن‌ها که در متون دیگر پهلوی به آن‌ها اشاره شده‌است، به انواعی دیگر از گناهان و همچنین به نوعی از تاوان برمی‌خوریم که مجرم می‌تواند با انجام کار کشاورزی و چوپانی، تاوان گناه خود را بپردازد. در این مقاله کوشش می‌شود تا نشان‌دهند در هوسپارم و سگادم نِسکِ دینکرد هشتم علاوه بر گناهانی که در دیگر متون حقوقی مطرح است چه گناهان دیگری مطرح می‌شود، نیز تاوان گناه در این نِسک‌ها چه تفاوتی با دیگر متون پهلوی دارد و هم‌چنین ذکر گناهانی که به تاوان آن‌ها اشاره شده و گناهانی که فقط از آن‌ها نام‌برده شده‌است.

کلیدواژه‌ها: دینکرد هشتم، درجات گناه، نِسک‌های حقوقی، هوسپارم، سگادم.

* دانشجوی دکتری، فرهنگ و زبان‌های باستانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
kalhori_r@yahoo.com

** استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)،
tavoosi@riau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

۱. مقدمه

دینکرد (Dēnkard) به صورت تحت اللفظی به معنای تألیف دینی است و در درجه اول دفاعیه‌ای است از دین مزدیسنا. این کتاب مبتنی بر اوستا و تفسیرهای آن بوده و یکی از با ارزش‌ترین منابع ماندگار فارسی میانه نه تنها برای مطالعه دین در دوره‌ی فارسی میانه، همچنین برای تحقیق در تاریخ و سیر تکاملی حقوق زرتشتی است (برای آگاهی بیشتر ← دمناش، ۱۹۵۸، ژینیو، ۱۹۹۴ و ماتسوخ، ۲۰۰۷: ۱۵۱).

دینکرد شامل نه کتاب بوده که کتاب‌های یک، دو و همچنین قسمتی از جلد سوم آن از بین رفته است. پژوهشگران بر این عقیده‌اند که توسط آذرفرنبغ فرخزادان (Ādurfarbāg ī Farroxzādān) تألیف شده و ویرایش نهایی آن در قرن چهارم هجری (دهم میلادی) توسط آذرباد امیدان (Ādurbād Ēmēdān) انجام پذیرفته است (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۸: ۱۷-۱۸). قانون زرتشتی مبتنی بر اوستا بود. مانند سایر نظام‌های حقوقی پیش از عصر حاضر، قانون در دوره ساسانی به شکل بی‌همتایی انتظام یافته بود. نه تنها متخصصان دینی در هردو زمینه مذهبی و قضاوت آموزش دیده بودند، بلکه خود پیامبر زرتشت نیز به عنوان برترین قانونگذار معرفی می‌شد (ماتسوخ، ۲۰۱۵: ۲۹۰).

هدف اصلی این پژوهش ذکر گناهایی است که در دو نسک حقوقی هوسپارم (hospāram) و سگادم (sagādom) کتاب هشتم دینکرد آمده‌اند، نیز پرداختن به موضوع تاوانی است که در دیگر کتب پهلوی بدان اشاره نشده‌است و همچنین ذکر گناهایی که فقط نام آنها ذکر شده و از تاوان آنها سخنی به‌میان نیامده‌است.

برای حرف‌نویسی نوشته‌های اوستای از روش هوفمان و در آوانویسی نوشته‌های پهلوی از روش مکنزی استفاده شده است. عباراتی که در [] آمده‌اند در متون نبوده و به‌منظور توضیحات اضافه شده‌اند، همچنین نشانه‌ی ← به‌جای "نگاه کنید" به‌کار رفته است.

۱.۱ پیشینه پژوهش

در باره‌ی درجات گناه و تاوان آنها در نوشته‌های پهلوی و دین زرتشت مطالعاتی انجام شده‌است. از جمله مهشید میرفخرایی در مقاله‌ی «گناه و تاوان آن در نوشته‌های پهلوی»، اشاره‌ای گذرا به درجات گناه و تاوان آنها نموده‌است (میرفخرایی، ۲۵۳۶: ۱۲۵-۱۳۶).

سید حسن حسینی (آصف) در مقاله‌ی «درجات گناه، تاوان و پتت در دین زرتشتی» به‌طور مفصل درباره‌ی گناهان در دین زرتشت و تاوان آنها بحث کرده‌است (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۸۷-۲۲۴). همچنین در مقاله‌ی «گناهان جنسی مردان در متون پهلوی» به گناهان جنسی مردان در متون پهلوی پرداخته‌است (سفاری و جلیلیان، ۱۳۹۴: ۴۹-۶۲). نادیا حاجی‌پور در مقاله‌ای بنام «گناهان مرگ ارزان در متون فارسی میانه» به گناهان مرگ ارزان در متون فارسی میانه به صورت مفصل پرداخته‌است (حاجی‌پور و میرفخرایی، ۱۳۹۶: ۱-۳۱). اگرچه مقالات مذکور به گناهان نوشته‌های پهلوی و دین مزدیسنا پرداخته‌اند اما در هیچ‌کدام از این نوشته‌ها به گناهان ذکر شده در کتاب هشتم دینکرد اشاره ای نشده‌است.

۲.۱ دینکرد هشتم

اهمیت کتاب هشتم از این رو است که حاوی برخی اطلاعات مربوط به قانون متأثر از اوستای زمان ساسانی است، به‌طوری که از آن به عنوان یکی از منابع حقوق ساسانی ذکر می‌شود (جانوس، ۲۰۰۵: ۲۹۲). اوستا احتمالاً به سه کتاب و هر یک به هفت نسک تقسیم شده بود. این سه کتاب به ترتیب گاهانیک *Gāhānīg* (هفت نسک از متون گاهانی)، هادگ مانسریگ *Hadag-mānsarīg* (مجموعه ای از قوانین مقدس مربوط به آیین‌ها)، و دادیگ *Dādīg* (که به متون حقوقی اختصاص دارد) نامیده شده‌اند (تفضلی، ۱۳۸۳: ۱۳۷). این تقسیم بندی که معتقدند برابر با بیست و یک واژه دعای اهورنور است و ممکن است اشاره ای ضمنی به نجوم داشته باشد، احتمالاً کهن الگوی ساسانی اوستا را نشان می‌دهد. کتاب هشتم دینکرد بازتاباننده‌ی ترجمه‌ای تقریباً کامل از متون اوستایی به پهلوی است، گرچه ممکن است در بردارنده آن متن‌های اوستایی نیز باشد که در دوران متأخر تألیف شده بودند. با این حال این متون تنها حدود یک چهارم اوستای اصلی را نشان می‌دهند (ژینیو، ۱۹۹۴: ۲۸۴-۲۸۹). از این گذشته، هم چنان که ژان کلنز استدلال کرده‌است، آنچه موبدان عصر ساسانی درباره‌ی متن‌های اوستای کهن و یشت‌های کهن می‌شناختند، تقریباً کل آن باقی مانده بود. کتاب هشتم اطلاعاتی درباره‌ی قوانین کیفری و مالکیت ارضی نیز در اختیار قرار می‌دهد و بنابراین می‌توان این بخش از مطالب دینکرد را به عنوان مکمل قوانین مدنی کتاب مادیان هزار دادستان در نظر گرفت (کلنز، ۲۰۱۱: ۳۵-۴۴).

از آنجا که بخش اعظمی از متون اوستایی که هیچ‌گونه عملکردی در مراسم مذهبی نداشته‌اند، به‌طور جبران ناپذیری از بین رفته‌اند، در دینکرد منبع اصلی اطلاعات ما، درباره‌ی

اصل اوستایی متون حقوقی مندرج در کتاب مقدس، مطالبی به طور خلاصه باقی مانده است، که برای پیشرفت فقه زرتشت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. جدا از چند قسمت در وندیداد، هیربدستان (Hērbedestān)، نیرنگستان (Nērangestān) و چند قطعه اوستایی که مسایل حقوقی مطرح می‌نمایند، کتاب هشتم دینکرد تنها منبع حفظ شده درباره‌ی مرحله‌ای از تاریخ فقه ایران قبل از نظام حقوقی پیشرفته ساسانی است. اگرچه کتاب دینکرد ۸ از این منظر مطالب ارزشمندی را ارائه می‌دهد، اما مشکلات بیشماری در راه تفسیر و ترجمه به ویژه نکات قانونی در این منبع مهم قرار گرفته است. کوتاه بودن نوشته‌های مولف، اصطلاحات حقوقی ناشناخته و سبک غالباً دشوار دینکرد، بیان مبهم آن و مختصرنویسی متن در واقع مانع از هر تلاشی برای نوشتن یک ترجمه معتبر شده است که از خطرات موجود جلوگیری کند (ماتسوخ، ۲۰۰۷: ۱۵۱-۱۵۲).

نویسنده کتاب در مقدمه‌ی کتاب نسک‌ها را به دو صورت مرتب نموده است. ترتیب اول که شامل هفت نسک گاهانیک، سپس هفت نسک هادگ مانسریگ و بعد از آنها هفت نسک دادیگ آورده و بر اساس کلمات دعای اهورنور مرتب نموده است (مدن، ۱۹۱۱: ۶۷۷ سطر ۱۶-۱۹).

نسک‌های دادیگ عبارتند از: نیگادُم nīgādom دزدسرنزد dūzd-sar-nīzad، هوسپارم huspāram، سگادُم sagādom و ویدیوداد wīdēwdād، چهردادād čīhrdād و بغان یسن bayān-yasn. از بین هفت نسک حقوقی، در واقع فقط پنج مورد به امور حقوقی اختصاص دارند. این‌ها به ترتیب در دینکرد عبارتند از: نیگادُم، دزدسرنزد، هوسپارم، سگادُم و ویدیوداد (شکی، ۱۳۹۳: ۸۴). ماتسوخ به پیروی از کانترا فقط چهار نسک نیگادُم، دزدسرنزد، هوسپارم، سگادُم را نسک‌های مربوط به حقوق مدنی و جزایی زرتشتیان بر می‌شمارد که با نیگادُم نسک از nīkāta*، به معنی "پایین ترین" شروع می‌شوند، و با سگادُم نسک از uskātama*، به معنی "بالا ترین" پایان می‌یابند (ماتسوخ، ۲۰۱۵: ۲۹۰).

۱.۲.۱ هوسپارم نسک

هوسپارم نسک (Huspāram Nask): سی بخش بوده است^۱، که فقط متن اوستایی و زند دو بخش هیربدستان و نیرنگستان از آن باقی مانده است، هیربدستان درباره تحصیلات و مطالعات هیربدی و وظایف و تکالیف آنان است، نیرنگستان درباره‌ی شرح قوانین آیین‌های دینی از جمله هوم، درون، برسوم و چگونگی فراهم کردن آنها می‌باشد. به جز این دو بخش

تنها بخشی که نام برده شده است گهریگستان (Guhriḡestān) است، درباره داد و ستد و خرید و فروش و معامله و مسایل مربوط بدان. در کتاب گزیده‌های زادسپرم (Wizīdagihā ī Zādisparam) فصل ۲۸ بند ۴ از Jōrdā-Kārestān به عنوان یکی از بخش‌های این نسک نام برده شده است (راشدمحصل، ۱۳۸۵: ۷۶). دیگر بخش‌های کوتاه و بلند این نسک موضوعات متنوعی را در بر دارند، از جمله گناهایی که ممکن است در رابطه با زنان انجام شود، شیوه‌ی صدور حکم قاضیان، کشاورزی، تاوان درجات گناه، انواع ور، سگ‌ها و چگونگی رفتار با آن، ازدواج، نفقه، گناه آزار آتش و آب و زمین، جماع و مسایل مربوط بدان، تملک، ارث، پزشکی و پزشکی (نظری فارسانی: ۱۳۹۷: ۲۴-۲۵).

۲.۲.۱ سگادُم نَسک

سگادُم نَسک (Sagādom Nask): از uskatama* به معنی بالاترین، چهارمین و آخرین نَسک حقوقی اوستا بوده که از سی بخش تشکیل می‌شده است^۱. در کتاب هشتم دینکرد تنها از چهار بخش آن نام رفته است؛ اپیدگانستان (Apēdagānestān) درباره دارایی‌های جاندار و غیرجاندار گمشده، زهانگستان (Zahānagestān) درباره ثمره دهی و باردهی دارایی‌ها، و خشستان (Waxšestān) درباره سود و بهره و مسایل مربوط به آن، و ورستان (Warestān) درباره آزمایش دینی ور و تبرئه شدن و محکوم شدن از طریق آن. قسمت نخست ارائه شده از این نَسک در دینکرد هشتم، دربردارنده مطالب گوناگونی است، و مشخصاً چند فرگرد به‌طور گروهی در بخش نخست و پایانی آن تلخیص شده‌اند. در قسمت نخست موضوعاتی چون «سن تکلیف، شک در درستی یا نادرستی کار، آتش، نوزاد، مراقبت از ظروف، پیرایشگر و محل کار و ابزار او، راه اسب، جماع، بافتن کستی، حرکت لشکر، گردآوری هیزم و علوفه، قیمومت، بریدن درخت، لباس شستن، انواع آبراهه و سد و نوع گذر از آب، بیماری دام، چیدن گیاه دارویی و ..» مطرح شده است. در قسمت پایانی نیز که عنوان «آمیخته» دارد چندین موضوع مختلف از جمله «چند مسأله حقوقی، شوهر دادن دختر، ارث، هبه، گناهان بزرگ، انواع انسان پارسا، پاسداشت آب و آتش، نذر، کشتن موجودات زیانکار، کارهایی که به دیوان قوت می‌بخشد، مهمان نوازی و ...» ذکر شده است (نظری فارسانی: ۱۳۹۷: ۲۵).

۲. گناهان دین زرتشتی برمبنای نسک‌های هوسپارم و سگادم

۱.۲ گناهانی که تاوان آن‌ها چوپانی و کار کشاورزی ذکر شده است.

گناه از ایرانی باستان *wināsa- برگرفته از wi- (پیشوند) و nāsa- (ستاک حال) از ریشه‌ی nas- به معنی «نابود شدن؛ نابود کردن». با پیشوند vi- «آسیب رساندن»، اوستایی: nas- «نابودشدن، نابودشدن» با پیشوند vi- «تباہ کردن، ویران کردن» (بارتلمه، ۱۹۰۴: ۱۰۵۵). در فارسی میانه معادل wināh می‌باشد به معنی «گناه، جرم» (مکنزی، ۱۹۷۱: ۹۱).
یک تقسیم بندی کلی از گناه در دینکرد هشتم آمده است که ترتیب آن با دیگر کتب پهلوی متفاوت می‌باشد، و نوع تاوان آنها مشخص شده است، درجات این گناهان چنین ذکر شده است:

“ud abar wizārišn ī yāt [ud] bāzā ud xwar ud arduš ud ōyrišt ud āgrift ud adwadād wināh pad fšūcēs ud kār pādifrāh ud ēwēnag ī aspaštar ud srōšōčaranām ud čiyōn abāg-wizišnīh ī harw dō” (Madan, 1911: 742).

و درباره‌ی جبران گناه یات^۳ و بازای^۴ و خور^۵ و اردوش^۶ و اویرشت^۷ و آگرفت^۸ و ادوداد با چوپانی و کار و یادافراه و روش اسپ اشتر^۹ و سرشوچرنام^{۱۰}، و چگونه توامان گزینی هر دو (← نظری فارسانی، ۱۳۹۷: ۱۳۸).

این درجات را در شایست ناشایست، به نحوی دیگر می‌بینیم: «چنان که از اوستا پیداست»، در جُددیوداد *jud-dēw-dād* گفته شده است که این هشت پایه (= درجه و مرتبه) گناه در دین گفته شده است؛ <که چنین> است که فرمان *framān*، آگرفت، اویرشت و اردوش و خور و بازای *bāzāy* و یات و تنافور *tanāpuhr* (مزداپور، ۱۳۶۹: ۱). پایه‌های گناه بر اساس روایت آذر فرنیغ به این صورت ذکر شده است: پایه‌ی گناه ده است: فرمان، (که دو نوع است) یعنی ابسمگ *abismag* و سرشوچرنام و آگرفت و اویرشت و اردوش و خور و بازای و یات و تناپل و مرگ ارزان (رضایی باغ بیدی، ۱۳۸۴: ۵۷).

از آن‌جا که درباره‌ی گناهان یات، بازای، خور، اردوش، اویرشت و آگرفت، همچنین تاوان آن‌ها در دیگر منابع از جمله (میرفخرایی، ۲۵۳۶ و مزداپور، ۱۳۶۹) به تفصیل صحبت شده است، در این پژوهش به گناهانی می‌پردازیم که در منابع دیگر پهلوی کم‌تر به آن‌ها پرداخته شده است.

۱.۱.۲ گناه ادوداد

adwadād صورت پهلوی واژه‌ی اوستایی *adwadāti-* می‌باشد که برگرفته از *aδwan-* اسم «راه» و *-dāta- /dāti-* از ریشه *-dā-* «نهادن»، روی هم «بیرون گذاشتن، بیرون کردن، برسر راه گذاشتن» (بارتلمه، ۱۹۰۴: ۶۱-۶۲). ماتسوخ برای این واژه چهار تعریف ارائه نموده است: «رهاکردن»، «دریغ کردن از نگهداری»، «کمبود غذا» و «محروم کردن از پرورش فکری» (ماتسوخ، ۲۰۱۲: ۲۴۷-۲۶۹).

این واژه در فرهنگ اویم چنین تعریف شده است:

“adwadād ān bawēd ka xwarišn ud xwārišn kē suy ud trišn pad-iš abāz dārēd”

«گناه ادوداد (=ترک نفقه) آن باشد که هنگام خوردن و آشامیدن، گرسنه و تشنه را از آن بازدارند.» (نیز ← گشتاسب و حاجی پور، ۱۳۹۷: ۱۲۵ و ۱۲۸).

در مواردی اگر گله‌دار خوراک روزانه‌ی چوپان را تامین نمی‌کرد و مرتکب گناه ادوداد می‌شد، چوپان اجازه می‌یافت که حتی بر خلاف قانون جاری گوسفندی از گوسفندان دامدار را برای قوت روزانه خود سربرید:

“abar fšah ka rōzīg ī pasušhōrw abāz gīrēd ā-š rawišnīh ī padiš pas az tasum adwadād pādixšāy kuštan pasušhōrw gōspand pih rāy” (Madan, 1911: 727).

«درباره‌ی دامدار اگر روزی (=خوراک روزانه) چوپان را بازگیرد و او آن [روش] را ادامه‌دهد؛ پس از چهارمین محروم کردن (=تدادن خوراک)، چوپان مجاز به کشتن دام برای غذاست.»

هم‌چنین در مادیان هزار دادستان زنی که در زمان گذراندن دوران دشتان (قاعدگی)، به دلیل تنگ دستی و کمبود غذا دزدی کند، گناه و تاوان آن بر گردن شوهرش گذارده است:

“...zan kē pad šōy pad adwadād ud daštān-māh wizārdan wināhgār ka duz kunēd bē šōy bawēd...”

اگر زنی شوهر از او در زمان گذراندن دوران دشتان نگهداری نکرده باشد (=نفقه نداده باشد)؛ مرتکب گناه شود، اگر دزدی کند، زن دزد نیست، بلکه شوهر دزد است (سکوندا، ۲۰۱۵: ۲۸).

هیربدستان بخش نهم، بند هشت در متن اوستایی و پهلوی ادوداد را نوعی جرم، هم‌پایه‌ی زخم زدن معرفی نموده است:

“*nabānazdištəm. he. para. pascaēta. raēšca. aḍbadāitiica. āstrniti*” (Kotwal & Kreyenbroek, 1992: 52).

سپس او (برای ارتکاب گناهان) زخم و رها کردن در برابر نزدیک‌ترین خویشاوندان خود مقصر می‌شود.

“*ā nabānazdišt pas ōy pad rēš ud adwadād āstārēnēnd [kū-š az-iš be gīrēnd]*” (Ibid, 1992: 54).

آن گاه نزدیک‌ترین خویشاوندان، پس از آن او را به [گناه] زخم و رها کردن متهم کنند [یعنی از او [تاوان] گیرند].

علاوه بر تعاریف بالا برای گناه ادوداد در هیربدستان بخش پانزدهم، بند یک سوشیانس درباره‌ی شخصی که پرسیده است، آیا شخصی که درباره‌ی چیزی آگاهی ندارد می‌تواند دیگران را در مورد آن راهنمایی کند؟ پاسخ مفسر منفی است و اگر به سبب آموزش نادرست به او آسیب برساند مرتکب گناه ادوداد شده است:

“*yō hē *pərəmnāi nōiṭ vīsāiti frāmrūtē,*

..... *Sōšāns guft hād pad-iš zaxm pahikārdan <nē abāyēd>, adwadād-iz. ka danēd kū šarm rāy nē zayēd, nē pādixšāy be ka-š dahēd*” (Ibid, 1992: 71-72).

[گناه] کسی که آمادگی ندارد و شخصی را برای راهنمایی کردن می‌پذیرد....
...سوشیانس گفته است: او را نباید [بپذیرد] و اگر به او آسیب برساند، گناه "ادوداد" است. اگر بداند که از روی شرم درخواست نکند، پس مجاز نیست آن (آموزش) را به او بدهد.

در دادستان دینی واژه‌ی ادوداد به معنی کمبود غذا، در مضیقه نگهداشتن آمده است:

“*dūdag-sālār sēnag-masāy ud bāzāy-masāy harw mäh-ē čahār stēr ī ast 16 ī pūl zan ka šāyēd ēdōn čiyōn kadag-bānūg hammist ēdōn čiyōnišān adwadād brahnagīhā ud adādīhā abar nē rasēd az bar ayāb az bun ī xwāstag ī pad dūdag ēstēd xwarišn ud watarag ud darmān ud pānagīh handāzišn.*”

دوده سالار را سینه مسای و بازومسای (= حداقل میزان لازم، به قدر کفایت)، هر ماهی چهار استیر، که شانزده پول است. زنی را که شایسته است مانند کدبانو و همه‌ی *«زنان دیگر»* را، به گونه‌ای که مضیقه و کمبودی در خوراک و برهنگی (= پوشاک) و بیدادی‌های (= ستم) دیگر بر ایشان نرسد، باید از سود یا اصل دارایی (= ارث) که در

گناهان و تاوان آن‌ها براساس نسک‌های حقوقی ... (رحیم کلهر و محمود طاووسی) ۲۳۹

دوده است، برای خوراک، پوشاک، درمان و مراقبت تعیین کرد (میرفخرایی، ۱۳۹۷: ۱۵۰).

تاوان گناه ادوداد، در زند و نندیداد فرگرد ۱۳ بند ۲۴ مشخص شده و آن را یک تناپل گناه معرفی نموده است:

“(A) dādār ...! (B) kē sag tar pihīh dahēd pasuš-hōrw (C) kadār ōy ast tōzišn

(D) u-š guft Ohrmazd kū pad ān ī ōy tanāpuhlīgānīh dō sad pad abarzanišnīh abar zanišn asp aštar dō sad srōšōčaranām [ay ēn tanāpuhl rāy grāy bawēd čē pad adwadād *zad estēd]” (Moazami, 2014: 303. → Jamasp, 1907: 470-471).

(الف) ای دادار ...! (ب) کسی که به یک سگ گله غذای ناکافی می‌دهد، (ج) تاوان آن چیست؟

(د) اهورامز پاسخ داد: برای اینکه وی مرتکب (گناه) تناپلگان (=مرگ ارزان) شده است، باید دویست ضربه تازیانه اسب و دویست سروشوچرنام زده شود [یعنی، این تناپل چنان سنگین است که به همین دلیل (گناهکار) برای (گناه) ادوداد زده شده است].

مدن (Madan) گناه ادوداد را جزو گناهان مرگ ارزان می‌داند:

“abar wināh ī adwadād kardan ī ast az margarzān” (Madan, 1911: 715).

«درباره‌ی گناه ادوداد کردن که از مرگ ارزان است».

درباره‌ی تاوان این هفت گناه هرچند که در بند دو مقاله حاضر، چوپانی و کار؛ پادافراه، روش اسپ اشتر و سروشوچرنام، ذکر شد، اما مولف کتاب دینکرد هیچ اطلاعی از تعریف اصطلاحات حقوقی و میزان آنها ارائه نداده است، شاید مواردی که هنوز در قرن نهم، به وضوح شناخته می‌شدند به تعریف نیازی نداشتند، در حالی که این اصطلاحات معانی وسیعی را دربر دارند. علاوه بر این، اصطلاحات حقوقی نقل شده به دلیل مختصرنوشته شدن متن؛ عمدتاً خیلی کوتاه هستند که بتوان بر اساس کتاب هشتم دینکرد تفسیری معتبر از آنها ارائه نمود.

میرفخرایی با استفاده از «شایست نه شایست»، «صد در بندهش»، «روایات فارسی»، «وندیداد» و «زند خرده اوستا»، جدولی از نام گناهان و تاوان پولی آنها و براساس «وندیداد»، تعداد تازیانه‌های این گناهان مرتب نموده است (میرفخرایی، ۲۵۳۶: ۱۲۶). هم‌چنین کانترا بر اساس فرگرد چهارم بندهای ۱۸ تا ۴۲، تعداد ضربات شلاق برای هر یک

از درجات گناه در نخستین ارتکاب و نیز در دفعات بعدی را گردآوری نموده است (کانترا، ۱۹۹۸: ۲۰۹).

از اطلاعات جدول‌های خانم میرفخرایی و کانترا می‌توان به نتایج زیر رسید:

الف) در منابع فوق جریمه‌هایی که برای تاوان گناهان ذکر گردیده، بر مبنای پول و تنبیه بدنی (تازیانه) بوده است و از چوپانی و کار اجباری (=بیگاری) برای پادافره گناهان چیزی گفته نشده است، و تنها منبعی که به این موضوع اشاره می‌نماید کتاب هشتم دینکرد می‌باشد.

ب) همچنین از گناه ادوداد و دیگر گناهان مندرج در دینکرد هشت و تاوان آنها ذکری به عمل نمی‌آید، در صورتی که در دینکرد هشت از آن به عنوان یکی از گناهی نام می‌برد که برای تکرار آن تاوان مشخصی در نظر گرفته می‌شود، به طوری که بعد از چهار نوبت دریغ کردن غذا (=ادوداد) از چوپان، او می‌توانست گوسفندی از دامدار را برای خوردن سر ببرد.

۲.۱.۲ به کار گرفتن جادوگر

“ud abar kār framūdan ī jādūg, tōzišn ī pad tanāpuhl ī jīw jīw kū-š kār čand ud andar čand sāl be kunišn” (Madan, 1911: 715).

و درباره‌ی دستوردادن جادوگر به کار؛ تاوان دادن مطابق با تنافور جیو (= شیر تقدیس شده)، این که چه اندازه کار و در چند سال باید انجام داد.

۳.۱.۲ دستگیری دزد همراه با اموال سرقت شده

“abar duzz abāg griftārīh ī-š pad mādag *duzz ān ī-š truft, passazag wināh band ud drōš ud wizārīšn ī wināh rāy, bāxtīg pādīfrāh ud kār-warzišnīh *ud *fšūčēs ud čandīh ī jud jud” (Madan, 1911: 721).

«درباره‌ی دزد و دستگیری اش با مال دزدی -آنچه را که سرقت کرد- است؛ حبس و داغ متناسب با جرم، به خاطر خلاصی از گناه؛ مجازات، و انجام کار کشاورزی و چوپانی در قبال جرم، و مقدار هر یک» (نظری فارسانی، ۱۳۹۷: ۱۰۶).

۴.۱.۲ قصاص زخمی شدن

“ud abar *abāz-zaxm ud sneh uzmūdan rāst abāz zadan, ka rāst nē šāyēd ō kār-warzišnīh ayāb fšūčēs ayāb pādīfrāh wardēnīdan, ud sān ī wardēnīdan” (Madan, 1911: 700).

و درباره‌ی زخم متقابل و آزمودن (= به کارگیری) سلاح را به‌طور برابر باززدن (= قصاص همسان اجراکردن)؛ اگر به‌طور برابر امکان‌پذیر نباشد، تنبیه را به انجام کار کشاورزی یا چوپانی تغییر دادن؛ و شکل تغییر دادن (نظری فارسانی، ۱۳۹۷: ۷۶ بند ۲۷).

۲.۲ گناهانی که تاوان آن‌ها مشخص نشده و فقط به ذکر گناه پرداخته شده است:

۱.۲.۲ گناهانی که با نیرنگ و فریب‌دادن دیگران همراه است.

“abar stōr ud gōspand ud bandag, paristār, abārīg xwāstāg, kē srādag čiyōnīh āgāh pad jūd-srādag čiyōnīh abar gōwišnīh frōšēd wināh tōzišn” (Madan, 1911: 737).

درباره‌ی تاوان گناه کسی که از گونه و کیفیت ستور و گوسفند و غلام و کنیز و اموال دیگر آگاه‌است، آن را با زبان‌بازی به عنوان گونه و کیفیتی غیر از آنچه هست فرود شد (نظری فارسانی، ۱۳۹۷: ۱۳۱).

۲.۲.۲ رنگریزی کردن با پلیدی

“ud abar rang-razīh ī pad hixr bōdyōzad ōšīhīg kardan ī wastarag wināh” (Madan, 1911: 745 & Sanjana, 1917: 34-35).

و درباره‌ی رنگریزی با پلیدی - که [همانا] گناه مرگ آلود کردن لباس است - بودوداست.

۳.۲.۲ میزان بارنهادن بر حیوانات و گناه بیش‌تر از آن نهادن

“ud uštar [ud asp] ī *rus^{۱۱} zāhūg az brīn zamān sar frāz ka-š kār adādīhā ud rāh wad ud ka kār adādīhā rāh xūb ka pad čarag āsān dārēnd” (Madan, 1911: 768-769).

«و شتر [و اسب] فحل تازه‌زا، از پایان یک مقطع زمانی به بعد اگر [حجم] کارش با قانون دین [باشد] و راه بد، و اگر [حجم] کارنامطابق با قانون دین و راه خوب، به چِرا [و] استراحت دارند» (نظری فارسانی، ۱۳۹۷: ۱۷۵-۱۷۶).

۴.۲.۲ ضرب و جرح ظالمانه به چهارپایان

در کتاب بخش ستورستان (Stōrestān)، سی و پنج فصل درباره‌ی حقوق حیوانات اختصاص داشته‌است که این گناهان را تحت عنوان گناهان روانی (ruwānīg)^{۱۲} دسته‌بندی نموده است:

“abar ruwānīg wināh ī az adādīhā zanišn ud rēš abar stōrān gōspandān, tōzišn ud tāwān ī ō gōspand *xwad padīš ud ān ī ka stōr ān ī ka anūmē *padīš” (Madan, 1911: 728).

«درباره گناه روانی ناشی از ضرب و جرح ظالمانه بر چهارپایان بزرگ و کوچک است؛ کفاره و تاوانی که برای آن به چارپای کوچک، و کفاره و تاوانی که به چارپای بزرگ، و کفاره و تاوانی که به بچه [ی دام] از برای آن [باید داد]» (نظری فارسانی، ۱۳۹۷: ۱۱۶-۱۱۷).

۵.۲.۲ زدن سگ، پرندگان و ماهیان

“5) ān ī abar-iz sag ī pasušhorw ǰang kardan. 6) abar murwān hannām-zanišnīh ud par-rūnišnīh čiyōn ān ī ka hamāg-zanišnīh ud čiyōn ānī ka nē hamāg-zanišnīh. 7) ud adādīhā zanišn ī abar māhīgān, ān ī ka-šān gōšt axwarišn kunēd” (Madan, 1911: 634).

«۵) و نیز کفاره و تاوان درباره‌ی [زخم ناشی از] جنگ کردن سگ گله. ۶) درباره اندام زنی و پرگنی پرندگان چنانکه همه زنی باشد چنانکه همه زنی نباشد. ۷) و ضربه مخالف قانون شرع بر ماهیان؛ ضربه ای که گوشتشان را غیرقابل مصرف‌کند» (نظری فارسانی، ۱۳۹۷: ۱۱۷).

۶.۲.۲ به موقع نسپردن دام نر به دام ماده

“ka pad hangām nē abespārdan ī gušn rāy mādag a-gušn be šawēd, gāw asp uštar ud mēš ud buz, hūg ǰud ǰud ābusīh nē tāwān čand waččag kunēnd” (Madan, 1911: 674).

اگر به هنگام نسپاردن نر، ماده بدون نر شود، گاو، اسب، شتر و میش و بز، خوک هریک به خاطر آبستن نشدن، [دامپای] باید چند بچه [به عنوان] تاوان [واگذار] کنند (نظری فارسانی، ۱۳۹۷: ۱۷۵).

۷.۲.۲ نشانه گذاری دام

داغ گذاری دام رسمی بوده است که دامداران برای اثبات مالکیت و جداکردن آنها هنگام درآمیختگی با دام‌های دیگران، در زمان گم یا ربوده شدنشان، علامت گذاری می‌کردند و در ایران باستان نیز رواج داشته‌است. امروزه نیز در میان ایل‌ها و عشایر استان سمنان اصطلاحات «دُرُشُم»، «دِرُشِم» و «دِرُوشم» و در منطقه‌ی کرمان «دِرُوش» برای داغ‌زدن دام به کار می‌رود (بلوکباشی، ۱۳۹۶: ۵۴۰). در دینکرد هشت درباره‌ی اندازه‌ی داغ نهادن و چگونگی آن و همچنین گناه انجام‌ندادن این عمل اشاره می‌نماید:

“abar drōšīdan ī warrag *apēdag wināh ī az *nē drōšīdan....čīyōn čand burdan ī drōš” (Madan, 1911: 763).

درباره‌ی داغ گذاردن بره‌ی گمشده، گناه ناشی از داغ نگذاشتن....چگونه و چه اندازه داغ گذاردن.

۸.۲.۲ گناه کشتن حیوانات بی‌آزار

“abar wināh ī nē wināhgār ōzadan. abar pahrēz darmān sag ī wēmār” (Madan, 1911: 743).

درباره‌ی گناه کشتن [حیوان] بی‌آزار. درباره‌ی نگهداری و درمان سگ بیمار.

۹.۲.۲ شرایط نگهداری اسبان در آخور

“abar *dādīhā dārišnīh ī aspān pad āxwarr wināh ī az a-dādīh” (Madan, 1911: 759).

درباره‌ی نگهداری اسبان در آخور مطابق قانون؛ و گناه ناشی از [نگهداری] خلاف قانون.

۱۰.۲.۲ سپردن کارهای بزرگ به کسانی که توانایی انجام آن را ندارند.

“abar nē framāyišnīh ī kārān [ī] garān ō *nārīgān ud aburnāyag ān-iz ī burnāy mard kē adwadād se ī pad ī padisār bud ān-iz ī čahārom frāz mad hēd čē az ān ī tasum adwadād mard ān ī abōyīhā kunišn *warzēd” (Madan, 1911: 756).

درباره‌ی واگذار نکردن کارهای سنگین به زن و کودک؛ همچنین محول نکردن به مردی که سابقه سه اوداد داشت، چهارمین ابداد هم فرازآمده باشد (=در آستانه‌ی ارتکاب باشد)، چون از چهارمین ابداد فرد، عمل عاری از فهم مرتکب می‌شود.

“abar duzzīh ī wināh ī padān ī *ramagān abzār ī ō was ī ahlaw-ganīh paywandēd, abar wināh ī padān ī *ramagān aziš” (Madan, 1911: 722).

«درباره‌ی گناه دزدی سرکردگان اَمّت، ابزاری که به پارساکشی بسیاری پیوندد (= منجر می‌شود)، درباره‌ی گناه سرکردگان به توده‌ی مردم از آن.

“abar wināh ī az gumārdan ī ān ī asazāg pad kār” (Sanjana, 1917: 47).

درباره‌ی گناه ناشی از به کار گماردن شخص نالایق.

۱۱.۲.۲ برملا کردن اسرار دین

بازگو نکردن اسرار دین بعنوان یکی از وظایف دینوران معرفی شده‌است به طوری که افشاکردن آن اسرار نوعی گناه به حساب می‌آمده‌است، مبحثی دیگر است که در سگادم نسک به آن اشاره رفته‌است:

“abar rāz ī dēn wināh ī az āhuftan” (Madan, 1911: 761).

درباره‌ی راز دین؛ گناه ناشی از آشفتن [راز دین].

۳.۲ گناهایی که تاوان آن‌ها مشخص نشده اما در دیگر کتب پهلوی بدان‌ها اشاره شده و تاوان آن‌ها مشخص گردیده‌است:

۱.۳.۲ روسپگیری زن و مرد

در بسیاری از متون اخلاقی پهلوی، شهوت رانی به سختی نکوهش شده‌است. در کتاب مینوی خرد زن مردم را فریب دادن و نزد آنان رفتن، را عامل نابودی دارایی، تن و روان می‌داند. (تفضلی، ۱۳۸۰: ۲۲). همچنین عمل لواط سنگین‌ترین گناه بوده و از میان هفت بزه‌کار سنگین گناه گفته شده‌است که دو تا گناه لواط آلوده‌اند. (میرفخرایی، ۱۳۹۷: ۱۶۷).

“ud abar⁺ nang ī pad zan ī šōyēnīg ud puhl ī abar ōy kē zan ī šōyēnīg ud ān ī an-ēr ud abārīg az nē dastwarīhā gādan gāyēd ud zan kē gādan ō an-ērān dahēd šuhr gumēzišnīh abārīg wināh ī abar im kār kunēd” (Madan, 1911: 739).

گناهان و تاوان آنها براساس نسک‌های حقوقی ... (رحیم کلهر و محمود طاووسی) ۲۴۵

و درباره‌ی ننگ با زن شوهردار؛ و مجازات کسی که زن شوهردار و غیر ایرانی و دیگر [زنانی] را که گادن غیرقانونی است، گاید؛ و زنی که با غیر ایرانی همخوابگی نماید، هدردادن نطفه و دیگر گناه ناشی از این کار را انجام می‌دهد.

تاوان نزدیکی با زن شوهردار که آبستنی در کار نباشد، در دادستان دینی به این صورت آمده است: «و اگر به گونه‌ای کرده شود که آبستنی نباشد، پس برای هریک بار تباه کردن نطفه‌ی خویش و اوستای آن کار را نخواندن، دو تناپل گناه، یعنی ششصد استیر باشد و برای زن دو تناپل» (میرفخرایی، ۱۳۹۷: ۱۷۶-۱۷۷).

در کتاب روایت آذرفرنبغ درباره تاوان گناه نزدیکی کردن مرد با زن غیر بهدین آمده است: «در نزدیکی گناه گران است، چند گناه می‌تواند باشد، زن اگر دشتان و آبستن نباشد کفاره بر او واجب است؛ حکم آن یک تناپل گناه تلف کردن منی و تن را ناپاک کردن است» (رضایی باغ بیدی، ۱۳۸۴: ۱۱۴-۱۱۵).

۲.۳.۲ غلام‌بارگی و همجنس‌بازی

“abar abārōn kāmāgīh ī wiftag wēfdēnīdag az-išān stahmag-waranīh ud garāygarīh ud zad-xwarrah pūdag ud rēman tan meh pad-išān gyān zadārīh ī čišān ī wēnēnd, ud āzār har *meh arzānīg-margīh wigrāyēd” (Madan, 1911: 747).

درباره‌ی کژکامی مفعول و فاعل همجنس‌بازی؛ از شهوت زشت و شناعت و تن‌فرو پریده‌ی فاسد و کثیفشان، مهم‌تر [از همه] نابودکنندگی جان چیزهایی است که می‌بینند، و از زیان هر [آفریده] بزرگ (=آفریده‌های هفت گانه^{۱۳}) لایق مرگ بودن تشدید می‌شود (نظری فارسانی، ۱۳۹۷: ۱۴۵ بند ۱۳).

بر اساس بند فوق تاوان این گناه لایق مردن (=مرگ ارزان) توصیف شده است، در کتاب «صد در نثر» هم دیگران را به شدت از گناه لواط و حتی از انجام دادن این عمل با زنان نیز، منع می‌شوند:

(۱) این که از غلام‌بارگی و مواجری کردن، پرهیز باید کردن، (۲) چراکه سر همه گناهان دین، این است و در دین به، از این بتر (=بدتر) گناه نیست. و مرگ‌زانی به حقیقت ایشان را شاید خواندن (۳) اگر کسی بدیشان فراز رسد و ایشانرا در میان آن کار ببیند، هر دو را سر بیاید برید یا از شکم بشکافد و هیچ گناهی نباشد (۴) و هیچکس را بی‌دستوری دستوران و پادشاهان نباید کشت بهجز از غلام‌بارگی و مواجری. (۵)

چه اندر دین گوید که غلامباره با آهرمن برابر است..... (۷) چون با زنان کنند هم‌چنان بود که با مردمان (دابار، ۱۹۰۹: ۸-۹).

حتی کشتن لواط کنندگان نوعی کرفه به حساب می‌آمده است به طوری که در روایات پهلوی اشاره شده است: «کسی که لواط کننده‌ای را بکشد، پس او را یک تناپل ثواب است» (میرفخرایی، ۱۳۹۰: ۲۶۷ بندالف-۱).

۳.۳.۲ نزدیکی با حیوانات

در بخش نوزدهم، بند ۱۴۴ کتاب هشتم دینکرد نزدیکی با حیوانات نیز منع شده و از آن به‌عنوان گناه یاد شده است:

“ud abar wināh ī šuhr ō mādagān ī čahār-pidištān hištan” (Madan, 1911: 718).

و درباره‌ی گناه منی در چهارپایان ماده گذاشتن.

۴.۳.۲ دفن جنازه

این گناه از گناهان مرگ ارزان توصیف شده و در دیگر متون مزدیسنا بدان اشاره شده است. “abar wināh ī nasā nigānīh rāy gabr *kandan ān ī dēwēsnañ adēwēsñ ud wastarag ō nasā ī dēwēsnañ murd” (Madan, 1911: 745).

و درباره‌ی گناه دفن مرده و قبرکندن برای دیوپرستان [توسط] غیر دیوپرستان، و [پوشاندن] جامه (=کفن) به جسد مرده‌ی دیوپرستان.

در پرسش ۴۱ روایت پهلوی دفن کردن جسد از گناهان مرگ ارزان شمرده شده است (میرفخرایی، ۱۳۹۰: ۳۰۰). حتی برای بیرون آوردن جسد از زیر زمین کرفه‌ی عظیم تعیین شده است (دابار، ۱۹۰۹: ۲۶). در در هفتاد و دوم کتاب صد در نثر آمده است: «(۱) این‌که چون کسی نسا بآب (=به آب) و آتش بردن مرگ‌رزان باشد (۲) چه در دین فرماید که سن و ملخ که بسیار آید از آنجهت (=آن جهت) آید که نسا بآب و آتش رسانیده باشد (۳) هم‌چنان زمستان سردتر بود و تابستان گرم‌تر بود» (همان ص ۵۱). درباره پوشش بر جسد نهادن در فرگرد پنج و ندیداد بند ۶۱ آمده است:

“yezica aēte mazdaiiasna upairi aētəm iristəm auui maṃm *harəkō hərəziiāt̄ yauuaṭ aēša carāitika auui maṃm harəkō harəcaiiāt̄ juuasciṭ nōiṭ buuaṭ ašauua məšasciṭ nōiṭ baxšaiti vahištahe aṃhəuš” (Geldner, 1896: 41).

گناهان و تاوان آن‌ها براساس نسک‌های حقوقی ... (رحیم کلهر و محمود طاووسی) ۲۴۷

اگر مزدپرست روی مرده‌ای جامه‌ای بیفکند - هر چند آن جامه به اندازه‌ی [ریسمانی] باشد که دختری هنگام نخ‌ریسی به‌دورمی‌اندازد - تا زنده‌است مردی پرهیزکار به‌شمار نمی‌آید و بهشت به او بخشیده نمی‌شود.

۵.۳.۲ ستوری و گناه ستورشکنی

“abar stūrīh u-š ēwēnagān sazāgīh ī padīš stūr škenīh wināh ī pus ī padīriftag” (Madan, 1911: 748).

درباره‌ی ستوری (=قیمومت) و انواع آن، شایستگی برای آن، ستورشکنی، گناه پسرخوانده.

موضوع جانشینی در خانواده‌ی ایران باستان از اهمیت بسیاری برخوردار بود به‌طوری که سرپرست خانواده باید جانشینی می‌داشت که دارایی او را به ارث ببرد و در جهان دیگر به‌عنوان پل روان او را از پل چینود بگذراند (طاووسی، ۱۳۷۲: ۱۳۷). از همین رو دو گونه جانشینی دیده می‌شود، نخست «خویشاوندی»، که یکی از فرزندان حاصل از ازدواج پادشازنی سرپرست می‌شد و دیگری «ستوری»، برای فرد در گذشته که فرزند پسری نداشت ستوری (قیممی) تعیین می‌شد تا برای او پسری به دنیا بیاورد و این پسر جانشین متوفی به حساب می‌آمد و در صورتی که وظایف پسرخواندگی را به جا می‌آورد وارث متوفی می‌گردید (حاجی پور، ۱۳۹۷: ۶۸-۶۹). دادستان دینیک از سه گونه ستوری نام می‌برد: «بوده» (=طبیعی)، «کرده» (=شخص در گذشته پیش از مردن تعیین کرده‌است)، «گمارده» (=بزرگان دین یا رد او را گمارده‌است). همچنین «برنای بهدین خویشکار» و «زن برنا و نابرنا» را شایسته‌ی ستوری می‌داند. مجازات گناه ستورشکنی (=انجام ندادن قیمومت) مرگ ازران گفته شده‌است هر چند که عبارت «بایدکشت» در مورد آن به کار نرفته‌است (برای اطلاعات بیشتر نیز ← (میرفخرایی، ۱۳۹۷: ۱۴۶-۱۵۴) و (حاجی پور، ۱۳۹۷: ۱۸۱).

۶.۳.۲ گناه پدر در مورد رعایت نکردن امور مربوط به دستان ماه

“abar wināh ī pid pad daštān-māh nē wizārdan ī duxt ī mad pusradīh čē ān ī ka wināhgār ud čiyōn ān ī ka duxt xwad wināhgār. ud madan ī pusradīh daxšag” (Madan, 1911: 774).

درباره‌ی گناه پدر برای رعایت نکردن [امور مربوط به] دوره‌ی دشتان ماه (قاعده‌گی) دختر به بلوغ رسیده؛ در چه شرایطی [پدر] گناهکار است و در چه شرایطی خود دختر گناهکار است؛ و آمدن نشانه‌ی بلوغ.

در صد در بندهش در ۶۳ درباره‌ی این موضوع چنین آمده است: «...دختر چون نه ساله شود، می‌باید که نامزد شوی کنند (۲) چون دوازده ساله باشد با شوهر دهند. (۳) و چون دشتان شود، شوهر سزاوار به خویشتن آید و بشوهر (عنه شوهر) ندهند و اگر پدر ندهد هر بار که دشتان شود و دختر سر بشوید، آن پدر تنافوری که هزار دویست درم سنگ گناه باشد، و بسر چینود پل اول شمار این کنند. (۷) اگر دختر خود شوهر نخواهد و نکند، این گناه دختر باشد، بسر چینود پل پاده فراه این فرمایند» (دبار، ۱۹۰۹: ۱۳۴-۱۳۵). یکی از مواردی که باید برای دوره‌ی دشتان رعایت می‌گردید ساختن محلی بنام دشتانستان *daštānistān* بود که این محل معمولاً در خانه دورتر از محل سکونت سایر افراد وجود داشت، که می‌باید زن در مدت حیض بودن به دور از آب و آتش و مرد (اهرو) در آن سکونت کند تا پاک گردد (طاووسی، ۱۳۷۲: ۳۱۶).

۳. نتیجه‌گیری

مقایسه‌ی بین نوشته‌های حقوقی اوستا به ویژه وندیداد و متون پهلوی نشان می‌دهد که تا چه اندازه گذر زمان بر ساختار قوانین حاکم بر جامعه مؤثر بوده‌اند، تاوان گناهان در وندیداد عموماً به صورت تنبیه بدنی توصیف شده‌اند در صورتی که در متون دیگر پهلوی مانند شایست نشایست، مادیان هزاردادستان و دادستان دینی، هم به صورت تنبیه بدنی و هم به صورت جریمه‌ی مالی تغییر یافته‌اند و همچنین جریمه‌ی بدنی قابل تبدیل به جریمه‌ی مالی می‌گردد. این در حالی است که در نسک‌های دیگر اوستا که خلاصه‌ی آن‌ها در کتاب هشتم دینکرد آمده‌است، نشان می‌دهد که اگر شاکی رضایت می‌داد طرف مقابل می‌توانست برای پرداخت تاوان جرم خود برای او (شاکی) در قالب چوپانی و کار، بیگاری نماید، و از تنبیه بدنی صرفه نظر شود، همچنین متذکر می‌شود که شاکی می‌توانست برای پادافره مجرم هم زمان، تنبیه بدنی و بیگاری را اعمال نماید.

همچنین برای دفاع از حیوانات، مواردی مانند بارکشیدن از حیوانات باربر در زمان آبستنی، قراردادن حیوان نر به مادگان در زمان فحل آنها و همچنین آسیب نرساندن به ماهیان و پرندگان از جمله گناهانی است که در نسک‌های حقوقی دینکرد هشتم به آنها اشاره

شده‌است، اما از آن جا که قسمت‌هایی از اوستا و زند آن که منابع دینکرد بوده‌اند از بین رفته‌اند، بسیاری از این قوانین در حد تعریف باقی مانده و از چگونگی پرداخت تاوان آن‌ها اطلاعی به دست نمی‌دهد.

دیگر این که با توجه به تأکیدی که بر تاوان گناه به صورت چوپانی و کارکشاورزی می‌شود، شاید بتوان نتیجه‌گرفت که نسک‌های حقوقی دینکرد زمانی نوشته شده‌اند که اقتصاد جامعه بر پایه‌ی دامداری و کشاورزی بوده‌است، بر خلاف قوانین وندیداد که با وجود تاسیسات حقوقی و دادگاهی مدرن دوره‌ی ساسانی تغییر می‌کرد و جایگزین‌های دیگری مانند جریمه نقدی و تنبیه بدنی برای تاوان گناهان در نظر گرفته می‌شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. نام این نسک در روایات داراب هرمزدیار به نقل از روایت کامه بهره اسپارم نقل شده‌است و آن را داری شصت و چهار کرده معرفی نموده‌است (هرمزدیار، ۱۹۲۲: ج ۱، ص ۷). در همین کتاب به روایت شاپور بروچی، کتاب اسپارم را دارای شصت کرده می‌داند (همان، ص ۱۲).
۲. نام این نسک در روایات داراب هرمزدیار به نقل از روایت کامه بهره اسپارم نقل شده‌است و آن را داری شصت و پنج کرده معرفی نموده‌است (هرمزدیار، همان، ص ۷). در همین کتاب به روایت شاپور بروچی کتاب اشکارم خوانده‌شده آن را دارای پنجاه و دو فرگرد معرفی می‌کند (همان، ص ۱۲).
۳. برابر اوستایی اصطلاح *yāta*- می‌باشد (بارتلمه، ۱۹۰۴: ۱۲۸۳). تعریف *yāt* در فرهنگ اویم به صورت زیر آمده‌است:

“*yāt, rawiṣn, wizārēd +rawiṣn ī mardōm padīštān šāyēd būdan, +padīštān-zaniṣnīh yāt-ē tōziṣn.*”

- «یات، به رفتن تفسیر شود: [چون] راه رفتن مردم [به کمک] پا ممکن است، صدمه زدن به پا یک یات تاوان [دارد]» (گشتاسب و حاجی پور، ۱۳۹۷: ۱۲۴-۱۲۷).
۴. *bāza*، در زبان اوستا *bāzu.jāta* را داریم (بارتلمه، ۱۹۰۴: ۹۵۶). در کرده سوم بند یازدهم از پیت پشیمانی بلند، تعریف *bāzāy* بدین صورت ذکر شده‌است:

“*dašt rāy rēš kunēd kū be škenēnd ān rēš tā se angust burīdag bawēd ān wināh rāy bāzāy gōwēd*” (Dhabhar, 1927: 66)

[زمانی که] دست را مجروح کنند، یعنی بشکنند، آن جراحت تا ۳ انگشت بریده باشند، به آن گناه «بازا» گفته می‌شود.

۵. xwar صورت اوستایی آن xvara- است (بارتلمه، ۱۹۰۴: ۱۸۶۷). تعریف آن در بند دهم از کرده‌ی سوم پت پشیمانی بلند چنین آمده است:

“ka kas-ē rāy rēš kunēd kē an rēš tā dō ud nēm angust burīdag bawēd ān wināh rāy xwar gōwēd” (Dhabhar, 1927: 66).

«اگر کسی شخصی را زخمی کند به طوری که آن زخم دو انگشت و نیم بریده‌شود، آن گناه خور گفته می‌شود». همچنین ← (گشتاسب و حاجی پور، ۱۳۹۷: ۱۲۴-۱۲۷).

۶. اردوش اردوش صورت اوستایی آن، arəduš- است و معنی آن «جراحت، ضربه» می‌باشد (بارتلمه، ۱۹۰۴: ۱۹۴). در کتاب شایست نشایست، فصل شانزدهم، بند چهارم، تعریف این درجه از گناه به صورت زیر آمده است:

“ka-š ān sneh abar be dahēd arduš-ē ō bun, u-š tōzišn ud pādīfrāh sīh stēr agar-iš rēš panj-ēk i dišt pad-iš kard, ā-š xwar-ē ō bun, u-š tōzišn ud pādīfrāh ham sīh stēr.”

هر گاه بر او آن سلاح را بدهد (= بزند) یک اردوش «گناه» او را بر ذمه «باشد»، و تاوان و پادافراه آن سی استیر «است». اگر زخم «به اندازه‌ی» یک پنجم یک دشت (= و جب کوچک) بر او (= مضراب) کرد (= زد)، آن گاه او (= ضارب) را یک خور «گناه» بر ذمه «است»، و تاوان و پادافراه وی همان سی استیر «است» (مزداپور، ۱۳۶۹: ۲۲۲). برای تعاریف دیگر ← (گشتاسب و حاجی پور، ۱۳۹۷: ۱۲۴-۱۲۷ و دابار، ۱۹۲۷: ۶۵-۶۶).

۷. اویرشت ȳyrišt صورت اوستایی این واژه avaoirišta- است و از 2ava-*urvista- (بخش نخست صفت است به معنی «چنان، به همان اندازه» و بخش دوم صفت مفعولی از ریشه urvaes- به معنی «چرخیدن، گردیدن، [سلاح را] به سوی کسی نشانه رفتن») ساخته شده است (بارتلمه، ۱۹۰۴: ۱۶۸-۱۶۹). فرهنگ اویم واژه ȳyrišt را به صورت زیر توضیح داده است:

“ȳyrišt wardišn, ān bawēd ka awināh rāy sneh abar wardēd” (Dhabhar, 1927: 65).

«گردش اویرشت آن باشد که کسی سلاح به سوی بی‌گناه بگرداند». ← (مزداپور، ۱۳۶۹: ۲۲۱-۲۲۲).

۸. آگرفت āgrift صورت پهلوی āgorəpta- اوستایی است به معنی «گرفتن، [سلاح] به دست گرفتن»، و از پیشوند ā و ریشه grab- به معنی «گرفتن» ساخته شده است (بارتلمه، ۱۹۰۴: ۳۱۰)، و صورت پهلوی آن āgrift (مکنزی، ۱۹۷۱: ۶).

تعریف این واژه در فرهنگ اویم چنین است:

“āgrift, grift, ān bawēd ka zad ī awināh rāy sneh abar gīrēd” (Dhabhar, ibid).

گناهان و تاوان آن‌ها براساس نسک‌های حقوقی ... (رحیم کلهر و محمود طاووسی) ۲۵۱

«آگرفت، گرفتن، آن باشد که برای زدن بی گناه، سلاح بگیرد» (گشتاسب و حاجی پور، ۱۳۹۷: ۲۷۲-۲۷۳). ← (مزدایور، ۱۳۶۹: ۲۲۱).

۹. اسپ اشتر تازیانه‌ی اسب ابزاری برای زدن مجرمان و تاوان گناه آنان؛ در فرگرد چهار، بند یازده آمده‌است: ای دادار! کسی که با گفتار پیمان بشکند، تاوان آن کدام‌است؟ اورمزد گفت که: سیصد ضرب با تازیانه‌ی اسب، سیصد با سروشوچرنام او را بزنند (معظمی، ۲۰۱۴: ۱۰۶).

۱۰. این واژه افزون بر آنکه نام گناهی است، مقدار کفاره و تاوانی است که مرتکب این گناه باید پردازد تا از گناه مبرا شود، و نیز نام شلاق و تازیانه‌ای است که اجراء کننده حد یا سروشاووز sraošavaraza به تن گناهکار وارد می‌آورد (طاووسی، ۱۳۷۲: ۱۸۵).

۱۱. در فرهنگ اویم واژه‌ی اوستایی -vaðairiiu- به w'hr برگردانده شده، که صورت ایرانی میانه شمال غربی است و صورت پهلوی آن wardag: «حالت فحلی حیوان مونث» می‌باشد (گشتاسب و حاجی پور، ۱۳۹۷: ۲۱۱). واژه‌ی -vaðairiiu- در زند یشت‌ها به 's'، ترجمه شده‌است که احتمالاً برداشت نادرستی از واژه‌ی 'rs': «حالت فحلی حیوان مونث»، «پرخور» باشد که در فرهنگ دهخدا در ذیل «رُس» به معنی «حریص، پرخور» آمده‌است (کلینگن اشمیت، ۱۹۶۸: ۱۳۰).

۱۲. گناه روانی همانطور که از نامش پیداست اثر آن به روان شخص گناهکار باز می‌گردد و نه کس دیگر، و با پرداخت تاوان آن، جبران می‌شود. ماتسوخ معتقد است: مرتکب شونده‌ی این گناه مورد پیگیری قضایی قرار نمی‌گرفت ولی برای مجازات به موبدان و ردان ارجاع داده‌می‌شد (ماتسوخ، ۲۰۰۹: ۱۸۲).

۱۳. این هفت بزه‌کار سنگین گناه؛ که گناه لواط‌گری از همه آنها سنگین‌تر توصیف می‌شود، در پرسش ۷۱ دادستان دیننگ آمده‌اند (میرفخرایی، ۱۳۹۷: ۱۶۷-۱۶۸).

کتاب‌نامه

- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد. ۱۳۸۸ ش. کتاب پنجم دینکرد. چ ۲. تهران. معین.
- تفضلی، احمد. ۱۳۸۳. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، چ ۴. تهران. سخن.
- حاجی پور، نادیا و میرفخرایی، مهشید. ۱۳۹۶. «گناهان مرگ ارزان در متون فارسی میانه». پژوهشنامه ادیان. ش ۲۱. صص ۱-۳۱.
- حاجی پور، نادیا. ۱۳۹۷. مادیان هزار دادستان، تهران، فروهر
- حسینی (آصف)، سید حسن. ۱۳۸۴. «درجات گناه، تاوان و پت در دین زرتشتی». هفت آسمان. ش ۲۸. صص ۱۸۷-۲۲۴.
- راشد محصل، محمد تقی. ۱۳۸۵. وزیدگیهای زادسپرم، چ ۲. تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- رضائی باغ بیدی، حسن. ۱۳۸۴. روایت آذرفرینغ فرخزادان، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی. سفاری، حسنی و جلیلیان، شهرام، ۱۳۹۴. «گناهان جنسی مردان در متون پهلوی». جندی شاپور. س اول پاییز. ش ۳. صص ۴۹-۶۲.
- شکی، منصور. (۱۳۹۳). حقوق در ایران باستان. تاریخ جامع ایران، ج ۳. تهران. دائرة المعارف بزرگ اسلامی. صص ۷۱-۹۸.
- طاووسی، محمود. ۱۳۷۲. واژه‌نامه شایست نشایست، (چاپ دوم). شیراز. دانشگاه شیراز.
- گشتاسب، فرزانه و حاجی‌پور، نادیا. ۱۳۹۷. فرهنگ اویم ایوک. تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- مزداپور، کنایون. ۱۳۶۹. شایست نشایست. تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۹۰. روایت پهلوی. تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۹۷. دادستان دینی پاره دوم (پرسش‌های ۴۱ تا ۹۲). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید. ۲۵۳۶. «گناه و تاوان آن در نوشته‌های پهلوی». پژوهشنامه فرهنگستان زبان ایران. س ۱. ش ۲. صص ۱۲۵-۱۳۶.
- نظری فارسانی، محسن. ۱۳۹۷. کتاب هشتم دینکرد. تهران. فروهر.
- هرمزدیار، داراب. ۱۹۲۲م. روایات داراب هرزمذیاری. ج ۲. به کوشش مدی. بمبئی.

- Bartholomae, C. (1904). Altiranisches Wörterbuch. Berlin .
- Cantera, Alberto. (1998). Estudios sobre la traducción páhlavi del Avesta. Salamanca.
- De manasse, Jean (1958). une Encyclopédie mazdaéene: le Dinkart. v. 69, Paris.
- Dhabhar, Bamanji Nusservanji. (1909). Saddar Nasr and Saddar Bundelesh, Bombay.
- Dhabhar, Bamanji Nusservanji. (1927) Zand-i Khürtak Avistāk, , Bombay.
- Geldner, K. F. (1896). Avesta, the Sacred Books of the Parsis. V. III. Stuttgart. Gignux, Ph. (1994). Dēnkard, Encyclopedia Iranica. VII/ 3, P.284-289.
- János, Jany. (2005). The Four Sources of Law in Zoroastrian and Islamic Jurisprudence. Islamic Law and Society. Vol. 12, No. 3 p. 291-332.
- Kellens, J. (2011). AVESTA i. Survey of the history and contents of the book. Encyclopaedia Iranica, III/1. p. 35-44.
- Klingenschmitt, G., 1968, Farhang-i oīm. Edition und Kommentar, Ph.D Diss, University of Erlangen,
- Kotwal, F. M. and Kreyenbroek, P. G. (1992.). The Hērbedestān and Nērangestān, Vol I, Paris.
- Kotwal, F. M. and Kreyenbroek, P. G. (2003). The Hērbedestān and Nērangestān, Vol III, Paris.
- MacKenzie, D.N. (1971). A Concise Pahlavi Dictionary, London.

- Macuch, Maria. (2007). On the Legal Nasks of the Dēnkard. In: Religious Texts in Iranian Languages. 151-164. Copenhagen.
- Macuch, M. (2009). Judicial and Legal Systems III, Sasanian Legal System. Encyclopaedia Iranica, Vol. XV, Fasc. 2. p. 181-196.
- Macuch, Maria. (2012). The Adwadād Offence in Zoroastrian Law. In: Shoshannat Yaakov. Jewish and Iranian Studies in Honor of Yaakov Elman. Ed. Shai Secunda. Boston, 247-269.
- Macuch, Maria. (2015) Law in Pre-modern Zoroastrianism. In: The Wiley Blackwell Companion to Zoroastrianism. Eds. M Stausberg, Y. S.-D. Vevaina, Oxford, 289-298.
- Madan. D. M. (1911). The complete text of the Pahlavi Dinkard. Part II. Books VI-IX. Bombay .
- Moazami, Mahnaz. (2014). Wrestling with the Demons of the Pahlavi Widewdad: (Iran studies; 9)
- Sanjana, D. D. P. . (1917). The Dīnkard, Book VIII, Volm16, London.
- Schwartz, Martin. (2003). Gathic Compositional History, Yasna 29, and Bovine Symbolism, Chapter 10 in Siamak Adhami (ed.), Paitimāna, V. 2, Costa Meza, CA: Mazda Publishers.
- Secunda. Shai. (2015). Relieving monthly sexual needs. DABIR ,Vol. 1, No. 1. pp.28-31.